

افزایش خطر القاعده، مسئول کیست؟

تب تروریسم و خطر حملات تروریستی در جوامع غربی در حالی بالا رفته که آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش بیش از 9 سال است که خاورمیانه و جهان را درگیر جنگ علیه تروریسم کرده‌اند...



تب تروریسم و خطر حملات تروریستی در جوامع غربی در حالی بالا رفته که آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش بیش از 9 سال است که خاورمیانه و جهان را درگیر جنگ علیه تروریسم کرده‌اند؛ جنگی که پس از حملات 11 سپتامبر آغاز شده و تا به امروز ادامه یافته است. اما چیزی که اذهان عمومی را به خود مشغول ساخته این است که چرا این جنگ پس از 9 سال نتوانسته اهدافش را در سرکوب و ریشه‌کنی تروریسم محقق سازد تا جایی که این روزها شاهد اعلام تشدید تدابیر امنیتی و وضعیت فوق‌العاده در آمریکا و اروپا هستیم. آیا این اقدام اذعان غرب به شکست در جنگ علیه تروریسم است و یا اهداف اعلام نشده‌ای را در خود نهفته دارد؟ روزنامه فرامنطقه‌ای القدس العربی، در تحلیلی به قلم عبدالباری عطوان مدیر مسئول این روزنامه تحت عنوان "افزایش خطر القاعده، مسئول کیست؟" می‌نویسد:

#171&انتظار می‌رفت با گذشت 9 سال از آغاز جنگ علیه تروریسم و انجام دو جنگ در عراق و افغانستان، از دست دادن بیش از 5000 سرباز و دست کم 1200 میلیارد دلار، جهان امن‌تر شده و خطر تشکیلات القاعده تا ابد از بین برود، اما حقایق اوضاع کاملا عکس این قضیه را نشان می‌دهد.

آمریکا به عنوان سردمدار این جنگ در سازمان‌های امنیتی‌اش وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده و به شهروندان نسبت به وقوع حملات تروریستی در اروپا هشدار داده است و می‌گوید تشکیلات القاعده ساختارهای زیربنایی راه‌های مواصلاتی به ویژه قطارها، هواپیماها و مترو را هدف قرار می‌دهد.

انگلیس، فرانسه و آلمان شرکای آمریکا در جنگ‌هایش در خاورمیانه نیز تدابیرشان در مبارزه با تروریسم را پس از گزارش‌های اعلام شده از سوی مسئولان امنیتی این کشورها مبنی بر وجود طرح حملات بزرگ و گسترده با شناسایی و دستگیری یک گروه تروریستی در آلمان شدت بخشیدند.

این در حالی است که چند ماه قبل، روزنامه‌های غربی گزارش‌هایی را از کارشناسان تروریسم منتشر کرده بودند که از ضعیف‌ترین وضعیت حاکم بر القاعده و کاهش تعداد عناصر این تشکیلات در افغانستان به کمتر از ده‌ها جنگجو حکایت داشت و به گفته آنها این تشکیلات خطری برای غرب محسوب نمی‌شد.

سوالی که در این جا و در میان این آشفتگی مطرح می‌شود، این است که حقیقت چیست؟ آیا باید به این کارشناسانی که از ضعف القاعده سخن می‌گویند اعتماد کرد یا به دولت‌هایشان که اعلام وضعیت فوق‌العاده نموده و به شهروندان نسبت به سفر با هواپیما، اتوبوس و قطار هشدار می‌دهند.

امر مسلم این است که تشکیلات القاعده در بدترین و ضعیف‌ترین وضعیت بسر نمی‌برد و قدرت و تاثیرش افزایش یافته است. این امر هم‌چنین مهر تاییدی بر شکست جنگ علیه تروریسم و افتادن غرب در دام و تله‌ی القاعده است، به جایی آن که عکس این امر اتفاق بیفتد.

امروز بر خلاف پیش از جنگ علیه تروریسم، شبکه القاعده در نقاط مختلف از جمله یمن، مغرب اسلامی، عراق و افغانستان گسترش یافته و دامنه آن در حال گسترش است.

اساسی‌ترین تحولاتی که در القاعده روی داده و آن را خطرناک‌تر از قبل نموده است، موفقیت این تشکیلات در دو مساله است: اول ایجاد منابع مالی جدید از طریق عملیات گروگان‌گیری غربی‌ها در کشورهای صحرا و اقدام برخی گروه‌های نزدیک به این تشکیلات در ربودن کشتی‌ها در خلیج عدن و دریای عرب و دوم دستیابی این تشکیلات به اقلیت‌های اسلامی مهاجر در اروپا و جذب جوانان افراطی در شاخه‌های این تشکیلات.

نزدیکی القاعده در مغرب اسلامی به اروپا و افزایش مهاجرت‌های غیر قانونی، امکان ورود عناصر القاعده به اروپا را آسان‌تر کرده است و باید یادآور شویم که تنها چهار تن انفجارهای مترو لندن را انجام داده و انفجارهای قطار مادرید نیز توسط افراد کمتری انجام شد. دولت‌های غربی و مسئولان بلندپایه آنها بارها تاکید کرده‌اند که هرگز با این سازمان تروریستی به هیچ وجه مذاکره نخواهند کرد، اما پس از سال‌ها از این مواضع عقب نشینی کرده و نه تنها مذاکره با القاعده را آغاز کرده بلکه حاضر به پرداخت باج به این تشکیلات شده‌اند.

دولت اسپانیا اولین دولتی بود که بنا به درخواست‌های القاعده و تهدیدهایش به انفجارهایی مشابه انفجارهای قطار مادرید در سال 2004، تمامی نیروهایش را از عراق خارج نموده و برای آزادی دو گروگان‌ش 8 میلیون یورو به شاخه القاعده در صحرائی آفریقا پرداخت کرد.

نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور فرانسه نیز که ابتدا به زور برای آزادی گروگان فرانسوی روبرو شده توسط القاعده متوسل شده بود و این به کشته شدن گروگان مذکور منجر شد، اکنون به کانال مذاکره با این تشکیلات برای آزادی پنج گروگان‌ش در شمال نیجر روی آورده و آمادگی خود را برای پرداخت پول جهت آزادی این گروگان‌ها اعلام کرده است.

گروه طالبان هم پیمان تشکیلات القاعده که قرار بود پس از سقوط حکومتش در کابل از صفحه روزگار محو شود، امروز بر بسیاری از

بخش‌های افغانستان سیطره دارد و حامد کرزای، رئیس‌جمهور این کشور نیز برای مذاکره با این گروه، شورای عالی صلح تشکیل می‌دهد تا این مسئولیت مهم را بر عهده بگیرد.

چه کسی مسئول این خلل است؟ چگونه می‌توان آن را اصلاح کرد و خسارت‌های ناشی از آن را کاهش داد تا گامی اولیه برای توقف نهایی آن و خروج از این بن بست خونبار برداشته شود.

بخش اعظم مسئولیت این اوضاع به آمریکا به دلیل واکنش عجولانه و اغراق آمیزش به حملات 11 سپتامبر باز می‌گردد. همانطور که حضور طرفداران اسرائیل در دولت و موسسات حکومتی آمریکا (نو محافظه‌کاران) و تحریک نمودن آمریکا به ریختن هر چه بیشتر خون اعراب و مسلمانان از طریق جنگ عراق و افغانستان را نیز نباید فراموش کرد.

بحثی نیست که این حملات جنایتی بزرگ و غیر قابل توجیه بود، اما موضوع مورد بحث تعامل نامناسب و بررسی شده‌ی دولت آمریکا و انجام دو جنگ همزمان است که وجهه آمریکا را نابود کرده، انزجار از این کشور را افزایش داد و به دلیل بودجه‌های هنگفت این جنگ‌ها، رکود اقتصادی غرب را به همراه داشته است که باید کشته شدن یک میلیون عرب و مسلمان در عراق و افغانستان و ویرانی این دو کشور را نیز به آنها اضافه کرد.

بارک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، نتوانست اسرائیل را به تعلیق شهرک‌سازی‌های غیرقانونی‌اش به مدت دو ماه دیگر جهت ادامه مذاکرات با فلسطینیان با وجود ارائه بسته تشویقی‌اش که شامل قرارداد سلاح‌های بسیار پیشرفته بود و اسرائیلی‌ها حتی خواب آن را نمی‌دیدند، قانع سازد.

پیشنهادات آمریکا از جمله اعمال فشار علیه فلسطینیان برای پذیرش نیروهای اسرائیلی در مرزهایشان با اردن و اعمال فشار بر اعراب جهت عادی‌سازی روابطشان با اسرائیل نیز نتوانست اسرائیل را به پذیرش توقف شهرک‌سازی‌ها قانع سازد.

ضعف حقیرانه دولت آمریکا مقابل هم‌پیمان اسرائیلی‌اش و ادامه حمایت‌های آن از حکومت‌های دیکتاتوری فاسد عربی به بهانه حفظ ثبات و نگرستن به جهان اسلام فقط از روزه کوچک چادر اسرائیل، همه و همه عواملی است که موجب شده رهبر تشکیلات القاعده در آخرین نوار صوتی‌اش به عنوان "خلیفه مسلمانان" صحبت کرده و از کوتاهی در تعامل با بحران ناشی از سیل در پاکستان انتقاد کند.»

ایسنا